



است و در این مورد، ۲۴ مورد تحریم سهم دولت‌های دموکرات آمریکایی است. روسای جمهور دموکراتی همچون باراک اوباما که اتفاقاً هرچه زُست صلح‌طلبی آنها بیشتر بوده، گره تحریم‌شان علیه جمهوری اسلامی نیز کورت‌تر بوده و طراحی‌شان نیز پیچیده‌تر شده است. بر همین اساس مرور عملکرد دولت‌های دموکرات ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های پس از انقلاب اسلامی خالی از لطف نیست. بررسی عملکرد جیمی کارتر را در شماره امروز می‌خوانید.

اموالی که پیش از انقلاب نیز قرار بود، بلوکه شود!

ایالات متحده آمریکا اگرچه تا مدتی در این انتظار بود که به خیال خام خود یا بتواند حکومت پهلوی را بازگرداند یا اینکه با نظام فعلی ایران به توافق برسد و همچون گذشته جای پای خود را در ایران محکم کند ولی هنوز چند ماهی بیشتر از انقلاب اسلامی ایران نگذشته بود که به موازات همین خیالات خام توطئه‌های دولت جیمی کارتر علیه نظام جمهوری اسلامی ایران علنی شد. در همین راستا چند روز بعد از رای قاطع مردم به جمهوری اسلامی در ۳۱ فروردین ماه، یکی از ستاورهای صهیونیست آمریکایی طرح محکومیت ایران را به سنای آمریکا تسلیم کرد و برای تصویب آن تلاش گسترده‌ای به عمل آورد و از سوی دیگر دولت آمریکا به بهانه اعدام بقایای حکومت پهلوی، ایران را تهدید کرد. از این رو بنیانگذار کبیر انقلاب در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۵۸ (در صحنه امام ۲۹ اردیبهشت و در صحنه نور تاریخ ۲ اردیبهشت ثبت شده است) تاکید کردند «دولت آمریکا ما را [تهدید] کرده بود که اگر چنانچه این اعدام‌ها ادامه پیدا بکند، در روابط ایران با آمریکا یک قدری خطر می افتد، ای الهی که به خطر بیفتد! ما روابط با آمریکا را می‌خواهیم چه بکنیم. روابط ما با آمریکا روابط یک مظلوم با یک ظالم است؛ روابط یک غارت شده با یک بازترنگر است. ما می‌خواهیم چه کنیم. آنها میل دارند که با ما روابط داشته باشند؛ ما چه احتیاجی به آمریکا داریم.» از سوی دیگر در جای جای کشور از جمله کردستان و خوزستان آشفتگی‌هایی توسط گروهک‌های ضدانقلاب رقم خورد. این درحالی بود که رئیس دولت موقت (مهندس بازرگان) وزیر امور خارجه آن یعنی دکتر ابراهیم یزدی نگاهی خوشبینانه به رئیس جمهور دموکرات آمریکا داشتند. مطابق اسناد تاریخی یکشنبه یکم مهر ماه سال ۵۸ ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه دولت موقت به منظور شرکت در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل راهی آمریکا شد. سفری ۱۷ روزه که در حاشیه آن دیدار با وزیر امور خارجه وقت آمریکا و اشتیاق گسترده رسانه‌های غربی به آن با بازتاب گسترده رویه‌رو شد و خشم مردم انقلابی را برانگیخته بود. ابراهیم یزدی که بازگشتش از آمریکا هم‌زمان با تشییع پیکرهای سوخته ۲۲ جوان پاسدار که در سردشت به دست ضدانقلاب به شهادت رسیده بودند، شده بود، موضوع ملاقاتش با ونس را فیسخ قرارداد‌های نظامی، استرداد مجرمان سیاسی، اعلام جرم علیه شرکت‌های آمریکایی و دخالت‌های رژیم صهیونیستی در کردستان و نقش دولت آمریکا در این مورد اعلام کرد. هم‌زمان محمدصادق طباطبایی، سخنگوی دولت طی مصاحبه‌ای مطبوعاتی درخصوص حادثه سردشت گفت: «... ست تن از سفرای ایالات‌متحده آمریکا که سابقاً در ایران بوده‌اند، سرپرستی کمیسونی در سیا را بر عهده گرفته‌اند که مسائل ایران را دنبال می‌کنند. این سازمان علیه انقلاب اسلامی ایران توطئه می‌کند و در جهت انجام همین توطئه است که یکی از این ست تن درحال حاضر در کردستان ایران به سر می‌برد.» محمدرضا پهلوی، ۳۰ مهر ۱۳۵۸، به دعوت رسمی جیمی کارتر راهی نیویورک شد. اقدامی که دیگری شک و شبهه‌ای برای فرش قرمز آمریکا برای حکومت پهلوی به صورت علنی باقی نگذاشته بود. با این حال ۱۰ آبان نیز مهندس بازرگان (نخست‌وزیر دولت موقت) و ابراهیم یزدی با برژنسکی مشاور امنیت ملی کاخ سفید دیدار کردند. دانشجویان پیرو خط امام برای آنکه ایالات‌متحده را به نتیجه تحویل شاه مطوع به ایران برسانند، در سیزدهمین روز آبان ماه سفارت آمریکا در ایران را تسخیر کردند. اقدامی که توسط امام خمینی انقلاب دوم نامیده شد. جیمی کارتر، رئیس جمهور مدعی حقوق بشر نه‌تنها محمدرضا پهلوی را برای

چرا روسای جمهور دموکرات در آمریکا با جمهوری خواه فرقی ندارند (بخش اول: جیمی کارتر)

مبدع دست‌گش مخملی روی دست چدنی

«جمهوری خواهان همیشه سعی می‌کردند با دولت‌های ایران چه قبل و چه بعد از انقلاب کنار بیایند و دموکرات‌ها همواره فشار را افزایش می‌دادند.» این نظری است که محسن میلانی، مدیر اجرایی مرکز مطالعات دیپلماسی و استراتژی و رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه فلوریدای جنوبی آمریکا سال‌هاست که به‌عنوان نمونه بر آن تاکید کرده است. نظری که به‌عنوان نمونه از یکی از گفت‌وگوهای سال ۸۷ وی گرفته شده و گرایش حزبی روسای جمهور ایالات متحده و به‌تبع آن رفتارشان با ایران رانشان می‌دهد. گرایشی که به گفته میلانی اگر رنگ‌بویی دموکرات بگیرد، ایران باید در انتظار فشار حداکثری باشد و اگر یکی از حزب جمهوری خواه بر کرسی ریاست کاخ سفید تکیه بزند، شاید فشار دشمنی‌هایش را علی‌الظاهر کمتر کند. حتی درسال‌های پیش از انقلاب اسلامی و در دوران سرسپردگی محض حکومت پهلوی به آمریکایی‌ها

حانیه موحدین

دبیر گروه راهبرد

حقوق بشر لوله تفنگی!

جیمی کارتر، رئیس جمهور دموکرات آمریکا بود که نامش با انقلاب اسلامی ایران گره خورد. رئیس جمهوری که با نقاب حقوق بشر روی کار آمد و حتی سال‌ها بعد از انعام دوره چهارساله ریاست جمهوری اش با ادعای مدافع حقوق بشر در رسانه‌های آمریکایی تبلیغ شد. دی ماه ۹۸ بود که روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز اسناد تازه‌ای را در ارتباط با تلاش‌های آمریکا برای حفظ بقای رژیم پهلوی منتشر کرد؛ اسنادی که در اصل از سوی جیس بانک منتشن مشهور شده و پروژه عقاب بود، یعنی پروژه‌ای که ماموریت آن آوردن محمدرضا پهلوی به آمریکا پس از فرار وی از ایران بود. این اسناد مربوط به دیوید را کفلر، سرمایه‌دار سرشناس آمریکایی محسوب می‌شد که در سال ۱۳۵۷ و در بحبوحه ماه‌ها و روزهای منتهی به انقلاب اسلامی، رئیس جیس بانک و نفر اول پروژه عقاب بود که اسناد خود را در اختیار دانشگاه ییل گذاشته بود. اسناد حاوی اطلاعاتی در رابطه با عملکرد را کفلر و همراهانش در جریان تلاش برای حفظ حکومت پهلوی و پس از آن زمینه‌سازی برای ورود شاه به آمریکا بود. آنطور که گفته شد مدیر پروژه عقاب به‌منظور حفظ آبروی را کفلر در زمان تحویل اسناد از مسئولان دانشگاه خواسته بود این اسناد تا زمان مرگ وی منتشر نشوند. اسناد محرمانه دیوید را کفلر که توسط نیویورک تایمز نیز منتشر شد بار دیگر اثبات کرد آمریکا نسخه سرکوب حداکثری و وحشیانه مردم ایران را در دستور کار خود و دست‌نشانده‌اش یعنی محمدرضا پهلوی قرار داده بود.

پیش از آن نیز مرور خاطرات صریح ژنرال ابریت هایز، حقوق بی بشر جیمی کارتر را به اثبات رسانده بود. ژنرال چهارستاره آمریکایی که در روزهای منتهی به انقلاب اسلامی برای حفظ حکومت پهلوی و سرکوب انقلابیون با دستور مستقیم کارتر به ایران آمده بود. اوایل ۱۳۵۶ محمدرضا پهلوی که شرایط کشور را از هر جهت ناسامان می‌دید، از دولت آمریکا درخواست کرد برای تاسیس یک سیستم کنترل فرماندهی در ارتش به او کمک کنند. هایز در کتاب خاطراتش نوشته است شاه طی چند ملاقات نگرانی اش نسبت به شرایط کشور را بیان کرده و از هایز خواسته تا به او کمک کند. هایز در خاطراتش نوشته است: «در راستای کمک به تدوین طرح عملیات‌ها و نظریه عملیاتی شاه، گروهی از افسران برای جمع‌آوری اطلاعات به ایران اعزام کردیم. وقتی اطلاعات موردنیاز را به دست آوردیم، نشستیم و شخص‌اندکترین و طرحی را که عقیده داشتیم برای نیروهای نظامی ایران مناسب است، به صورت دست‌نویس نوشتیم.» وقتی دست‌نوشته هایز به دست شاه رسید، او طرح را کاملاً تایید کرد: «شاه گزارش را به کلی و بدون تغییر پذیرفت و از من به خاطر دقت ویزه‌ام تشکر کرد.» این شواهد نشان می‌دهد آمریکا به‌منظور حفظ رژیم پهلوی و تأمین منافع خود در منطقه، از مدت‌ها قبل یک سیستم امنیتی قوی برای ایران طراحی کرده بود و خود را برای مواجهه با خطرات احتمالی آماده می‌کرد. علاوه بر این، این آخرین حضور ژنرال آمریکایی در ایران نبود و ماه‌ها بعد مأموریت سختی برعهده او گذاشته شد. کفرانس گوادلوپ که با حضور مدیران ارتش نظامی و سیاسی غرب برگزار شد،

کودتا و تحریم سریالی نتیجه سیاست‌های نرم کارتر

جیمی کارتر، رئیس جمهور دموکرات ایالات متحده آمریکا ۱۷ آوریل ۱۹۸۰ (۱۸ فروردین ۱۳۵۹) دستور اجرایی ممنوعیت معاملات مالی و صادرات به ایران را صادر کرد. این دستور به شماره ۱۲۲۰۵ در راستای تکمیل دستور اجرایی ۱۲۱۷۰ و قطعنامه ۴۶۱ شورای امنیت سازمان ملل، عنوان می‌شد و صادرات انواع کالا (به‌جز مواد غذایی و دارو)، مسافرت و حمل‌ونقل هوایی و دریایی به ایران و نیز معاملات مالی شامل اعطای وام جدید، خدمات سپرده‌وهرگونه انتقال وجه (به‌جز موارد خانوادگی) با ایران را تحریم کرد. ۱۷ آوریل ۱۹۸۰ (۲۸ فروردین ۱۳۵۹) نیز کارتر دستور اجرایی ۱۲۲۱۱ را عملیاتی کرده دستوری که براساس آن ممنوعیت واردات و تراکنش‌های مالی با ایران صادر شد. این دستور، دستور اجرایی ۱۲۲۰۵ را تکمیل و واردات مستقیم و غیرمستقیم از ایران و هرگونه پرداخت به ایران حتی برای واردات قبلی را ممنوع کرد. وی همچنین مجوزهای قبلی صادرات کالاهای مرتبط با صنایع هوایی، صنایع نفت و گاز به ایران را باطل کرد.

از طرفی به رایزنی با رهبر و چهره‌های اثرگذار انقلاب و از طرف دیگر به حفظ حکومت پهلوی و تلاش برای انحراف انقلاب منتج شد. همزمان با این کنفرانس کارتر، رئیس جمهور وقت آمریکا، ژنرال ابریت هایز را که معاون فرمانده نیروهای ناتو در اروپا بود یک ماه مانده تا پیروزی انقلاب به‌عنوان مسئول نجات شاه به تهران فرستاد. پس از پیروزی انقلاب ابریت هایز در یک نهار کاری در کلوب کسینجر در نیویورک، که سایر مدیران پروژه عقاب می‌گویند که در زمان حضورش در تهران به رهبران ارتش گفته تا جایی که نیاز است آدم بکشند و تصریح کرده: «اگر جمعیت پراکنده نشد، سینه‌هایشان را هدف قرار دهید.» عبارتی که هایز در کتاب خاطرات خود نیز به صورت پرترکار و صریح به آن اشاره کرده است. اطمینان از موفقیت‌آمیز بودن عملیات هایز را آنجا نبود که مطابق آنچه در کتاب خاطراتش نقل کرده و آمده ۱۴ دی ۵۷ وارد تهران شد، همه نظامیانی که به استقبال او آمده بودند «اطمینان داشتند که دولت آمریکا می‌تواند به اوضاع فاجعه‌آمیز ایران سرسامان دهد.» ماموریت ژنرال هایز در دست گرفتن کنترل ارتش به‌منظور مقابله با انقلاب اسلامی مردم بود، از این جهت شاه به فرماندهان ارتش امر کرده بود که از فرامین او اطاعت کنند. پس از فرار شاه در ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷، زرمزه بازگشت امام خمینی به کشور به سرعت مطرح شد، به نحوی که از ابتدای بهمن ماه مردم هر روز در انتظار بازگشت ایشان بودند. با این حال دولت بختیار و نماینده نظامی آمریکا (ژنرال هایز) می‌دانستند که در شرایط فعلی اگر امام به کشور بازگردد کار سلطنت تمام است و هیچ سدی را برای مقابله با سلسل خروشان انقلاب اسلامی نخواهد بود. از این رو در هشتمین روز بهمن سال ۱۳۵۷، خونین‌ترین کشتار بعد از ۱۷ شهریور در میدان ۲۴ اسفند (میدان انقلاب اسلامی) به دستور مستقیم ژنرال فرستاده کارتر (هایز) رقم خورد. ابریت هایز در کتاب خاطراتش هم بر این موضوع صحنه گذاشته و می‌نویسد: «به نظر من روش درست این بود که روی سر راهپیمایان تیراندازی هوایی و از گاز اشک‌آور استفاده کنند. اگر این روش موثر نبود لوله تفنگ باید پایین می‌آمد تا شکی باقی نماند که نیروهای نظامی شوخی ندارند.» هایز نقل کرده دستورات نظامی او صوبه مواجرا می‌شد و تاکید می‌کند: «[آنان] نیروهای تحت فرمان فرماندهان ارتش] حاضر بودند که به سوی برادران ایرانی و مسلمان خود نیز تیراندازی کنند. آنها نشان داده بودند هر کاری لازم باشد انجام خواهند داد!» اگرچه ژنرال چهار ستاره آمریکایی پس از بی‌نتیجه بودن کشتارهایش مجبور به ترک مخفیخانه ایران در ۱۵ بهمن ماه می‌شود ولی همچنان آخرین تیر ترکش خود برای نجات حکومت پهلوی یعنی کودتا را در دستور کار قرار می‌دهد. کودتایی که با عنوان کودتای کورتاژ با پیش‌بینی کشتار بالا با اعلام حکومت نظامی ۲۱ بهمن ماه رسماً آغاز شد. اگرچه با صدور فرمان امام و حضور مردم در خیابان‌ها آخرین تلاش‌های برای حفظ پهلوی نیز بی‌نتیجه ماند.

نقل از یکی از افسران عالی‌رتبه آمریکا بنویسد: «پارهای از وسایل و اسناد سری آمریکا در هلی کوپترهایی جامانده است که پس از شکست این مأموریت در نزدیکی جزایر طیس ره‌اشده‌اند... و با مباراتی که نیروی هوایی ایران علیه این هلی کوپترها صورت داده، دیگر اسراری وجود ندارد که به‌چنگ کسی بیفتد.» این تنها اقدام به کودتای آمریکا علیه ایران در سال پایانی دولت جیمی کارتر نبود. در همین راستا، از جمله دیگر اقدامات آمریکا برای تغییر حکومت ایران می‌توان به عملیات نقاب (نجات قیام ایران بزرگ) اشاره کرد که بعدها به نام کودتای نوزده معروف شد؛ کودتایی که یک‌سال و چندماه بعد از پیروزی انقلاب و با هدف بازگرداندن شاپور بختیار، حمله هوایی به منزل حضرت امام (ره) و ترور ایشان طرح‌ریزی و اجرای آن به‌تعدادی از افسران نیروی هوایی ارتش شاهنشاهی محول شده بود. این طرح آمریکا برای براندازی نظام (کودتای نوزده) ۱۸ تیر کشف شد.

بعد از آنکه تعیین تکلیف درمورد گروگان‌های آمریکایی از سوی

بنیانگذار کبیر انقلاب به مجلس سپرده شد، در ۱۱ آبان ۱۳۵۹ مجلس با شروطی چهارگانه اجازه حل اختلاف مربوط به گروگان‌ها را به دولت صادر کرد و از سوی دولت بهزاد نبوی، وزیر مشاور در امور اجرایی مأموریت یافت تا از طریق رایزنی با دولت الجزایر و مذاکرات غیرمستقیم با آمریکا این مساله را به نتیجه برساند. مذاکراتی که به چند بیانیه مشترک معروف به «بیانیه الجزایر» منتج شد و سرانجام ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱/۲۹ دی ماه ۱۳۵۹، در پایان آخرین روز ریاست جمهوری جیمی کارتر، بیانیه‌های الجزایر درباره آزادی ۵۲ گروگان آمریکایی صادر شد و چند ساعت بعد از آنکه نبوی سرپرست هیات ایرانی طرف مذاکره، متن موافقتنامه را در تهران امضا کرد، وارن کریستوفر معاون وزارت امور خارجه آمریکا در الجزایر آن را امضا کرد. در این توافق، دولت ایران متعهد به آزادی گروگان‌ها شد و آمریکا نیز متعهد به عدم مداخله در امور ایران، استرداد دارایی‌های ایران، لغو تحریم‌های تجاری ایران، حل‌وفصل دعاوی خود علیه ایران و برگشت دارایی‌های خانواده

بنیادریا پهلوی شد. دولت آمریکا با بلافاصله حدود ۷۹۵۵ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران را به حساب آمانی مقرر در توافقات انتقال داد. یک‌روز بعد از صدور بیانیه‌ها، در ۳۰ دی ۱۳۵۹، تعداد ۵۲ آمریکایی آزاد و از راه الجزایر به آمریکا منتقل شدند. به این ترتیب هرچند بحران گروگان‌گیری دیپلمات‌های آمریکایی پس از ۴۴۴ روز پایان پذیرفت، تعهدات دولت ایران براساس بیانیه الجزایر ایفا شد، اما دولت آمریکا از پرداخت کامل مطالبات ایران خودداری ورزید و عدم پایبندی خود به مفاد بیانیه‌های الجزایر و نیز قوانین بین‌المللی را نشان داد و به‌صورت کاملاً آشکار در اجرای بیانیه‌های الجزایر کارشکنی کرد. به‌عنوان مثال آمریکا میلیاردها دلار از اموال ایران را در یک حساب آمانی در بانک مرکزی انگلستان به‌صورت سپرده باقی گذاشت تا به‌بهانه شکایت شهروندان و شرکت‌های آمریکایی، حکم به محکومیت جمهوری اسلامی دهد و اموال ایران را ضبط کند و از سوی دیگر به‌رغم تعهد اموال مسروقه مردم ایران توسط خاندان پهلوی را به ایران بازنگرداند.